

## دریچه

در کنار گروه سازنده «روح» رابرت دنبرو با «فشار نامناسب» دیده می‌شود



**همدلی** | تونی گلدوین برای فیلم جدیدش شماری از بازیگران درجه‌یک از رابرت دنبرو تا بایلی کاناوله و وویی گلدبرگ را گرد آورده است. به نقل از دلداین، بایلی کاناوله بازیگر برنده امی، رابرت دنبرو بازیگر برنده ۲ اسکار، رز بیرن نامزد ۲ جایزه امی، ورا فارمیکا نامزد اسکار، رین ویلسون نامزد ۳ جایزه امی، وویی گلدبرگ برنده ایگوت بازیگران فیلم جدید تونی گلدوین با عنوان «رفشار نامناسب» خواهند بود.

این فیلم که خود گلدوین در آن علاوه بر کارگردانی در برابر دوربین هم ظاهر می‌شود درباره مردی به نام مکس برنال با بازی کاناوله است که قبلا نویسنده موفق کمدی بود و حالا استندآپ کمدین نهنچندان موفقی است که یک پسر ۱۱ساله نابغه دارد.

نقش این پسر مبتلا به اوتیسم را ویلیام فیتزجرالد بازی می‌کند. این پدر که اخیرا همه‌چیزش را از دست‌داده و از همسرش هم جداشده با پدرش زندگی می‌کند که نقشش را رابرت دنبرو ایفا می‌کند.

مکس تصمیمی مضحک می‌گیرد و می‌خواهد پسرش را به سفری اودیسه‌وار ببرد و به این منظور باید پسرش را از همسرش بدزدد. تونی اسپیردایکیس نویسنده فیلم‌نامه این فیلم است و ویلیام هورسگ از تهیه‌کنندگان فیلم از آن به‌عنوان فیلم‌نامه‌ای که ترکیبی از حقیقت، طنز و لطف خوانده یاد کرد.

وی با گلدوین و وویی گلدبرگ در فیلم «روح» محصول ۱۹۹۰ برای پارامونت کار کرده بود و گفت خوشحال است یک همکاری دوباره بین این گروه رقم ی‌خورد.

فیلم‌برداری این پروژه تا پایان همین ماه آغاز خواهد شد. رابرت دنبروی ۷۹ ساله اسمال با چند فیلم دیده خواهد شد و «قاتلان ماه کامل» ساخته اسکورسیزی احتمالاً سال آینده برای اولین بار در جشنواره کن به نمایش درمی‌آید. «آمستردام» ساخته دیوید اوراسل، «هرا در رودخانه بشویی» ساخته راندل است، «دیاره پدرم» ساخته لورا ترسو و «سرباز حلبی» ساخته برد فورمن دیگر فیلم‌های جدید او در مرحله پس از تولید هستند.

## هم‌زمان با رونمایی از لوگو تاپ بلیت‌فروشی اینترنتی نمایش «لئوناردو داوودنژاد» آغاز شد



**همدلی** |هم‌زمان با رونمایی از لوگو تاپ نمایش «لئوناردو داوودنژاد» به کارگردانی «حسین کشفی اصل»، صفحه فروش بلیت این اثر نمایشی در تیوال آغاز به کار کرد.

به نقل از روابط‌عمومی گروه، نمایش کمدی «لئوناردو داوودنژاد» به نویسندگی «محسن میرزاخانی» و کارگردانی حسین کشفی اصل درحالی‌که آخرین روزها تمرین خود را پشت سر می‌گذارتا از هفته آینده اجرای عمومی‌اش را آغاز بکند، از لوگو تاپ خود در فضای مجازی رونمایی کرد.

همچنین صفحه بلیت‌فروشی این نمایش در سایت تیوال فعال شد. محسن میرزاخانی نمایش‌نامه این تئاتر کمدی را با الهام از نمایش‌نامه‌ی «هنر» اثر «یاسمینا رضا» (ترجمه‌ی علیرضا کوشک‌جلالی) نوشته است.

در خلاصه‌داستان این نمایش آمده: تقابل و رویارویی سه رفیق بر سر یک تابلو نقاشی اثر استاد «لئوناردو داوودنژاد». فرید رحمتی، محسن رضوی‌نیا و میلاد کرباسی در نمایش «لئوناردو داوودنژاد» ایفای نقش می‌کنند.

دیگر عوامل اجرا عبارت‌اند از: بهناز اصغری (تهیه‌کننده)، ایمان یزدی (مجری طرح)، مریم حسنی، مرصیه حسینی، علیرضا فیروزآبادی (دستیاران کارگردان)، حسین کشفی اصل (طراح صحنه و لباس)، کیسیا جواهری (طراح گریم)، اشکان قازانچای (طراح گرافیک)، مهدی عمادی (عکس و ساخت تیزر)، احمدرضا حجاززاده (امور رسانه و روابط‌عمومی).

گفتنی است علاقه‌مندان به تماشای این نمایش می‌توانند از هم‌اکنون بلیت تئاتر «لئوناردو داوودنژاد» را از طریق سایت تیوال در نشانی <https://www.tivall.com/plleonardo> رزرو بکنند.
نمایش «لئوناردو داوودنژاد» در سالن استاد عزت‌الله انتظامی خانه‌ی هنرمندان ایران روی صحنه می‌رود.

## فرهنگ وهنر

**گفت‌وگوی «همدلی» با «اندیشه هژبر»؛ نوازنده شناخته‌شده گیتار الکتریک**

# مخاطبان راک، خیلی دل‌نازک‌اند!



کاری من «پنسترومن‌تال راک» یا «متال» یا تخصصی‌تر «پنسترومن‌تال گیتار» است اما به تمام‌سیک‌ها گوش می‌دهم. موسیقی محبوب‌م‌نیز آثار کلاسیک و دوره‌ی باروک است.

◀ **به نظر شما یک نوازنده گیتار الکتریک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

تا امروز هزاران گیتاریست مطرح در دنیا با آهنگ‌ها و نوازندگی‌شان خود را معرفی کرده‌اند و هر کدام لهجه و شخصیت خاص خودشان را دارند. بنده معتقدم گیتاریست باید خودش باشد، حتی اگر بد باشد! چون شبیه یکی دیگر شدن نمی‌دانم چرا همیشه خودم را با این ساز تصور می‌کردم. من مثل خیلی‌های دیگر که با خرافات می‌گویند «اول با گیتار آکوستیک شروع کن و بعد به سمت الکتریک برو» من هم متأسفانه با خودش‌بخانه با آکوستیک شروع کردم و پس از یک سال خواهرم دوباره گیتار الکتریک را برایم خرید.

◀ **مسیر تان در موسیقی را موسیقی با کدام سبک و چگونه پیدا کردید؟**

اولین‌بار در پنج یا شش‌سالگی با گروه موسیقی «پینک فلوید» آشنا شدم و آثارشان به گوشم خورد. خواهر وبرادران‌م آن گروه‌را به من شناساندند. پس‌ازآن در گذر زمان با بقیه‌ی سبک‌های راک و متال آشنا شدم. تا شانزده‌هفده‌سالگی دوست داشتمم خواننده و گیتاریست بشوم اما صدای خودم را دوست نداشتم؛ از این‌رو به این نتیجه رسیدم که مهارت‌های نوازندگی‌ام را بیش‌تر کنم

و به سمت موسیقی بی‌کلام بردم. در این زمینه پیشرفت بیش‌تری داشتم تا در خوانندگی. سبک

\_\_\_\_\_

**همدلی** | نشست هنفگی کانون ملی منتقدان تئاتر ایران در تماشایخانه‌ی ایران‌شهر و با حضور رضا آشفته و بابک فرجی برگزار شد. در این نشست اعضای این کانون به نقد و بررسی نمایش «آقای اشمیت کیه؟» پرداختند. همچنین در جلسه‌ی نقد و بررسی این اثر، کادر اجرایی و سهراب سلیمی (کارگردان نمایش) حضور داشتند.

در ابتدای نشست، رضا آشفته از سهراب سلیمی خواست تااگر مقدمه و ورودیه‌ی برای آغا جلسه در نظر دارد به بیان آن بپردازد. سلیمی این اختیار را به ایرج راد، بازیگر پیشکسوت این نمایش داد و او مطرح کرد: به عقیده‌ی من هر نمایشی در ساخت اجرا کار خود را تمام کرده و اکنون کادر اجرایی باید صرفاً شنونده و پذیرای نظرات مخاطبان و منتقدان که نگاهی تخصصی به بخش‌بخش اثر دارند باشد.سهراب سلیمی در ادامه سخنان راد بیان کرد: شکل‌گیری و آغاز ما در زمانی بود که پیش از اجرا کارگردان از منتقدان و متخصصان دعوت به عمل می‌آورد تا به نقد و بررسی نمایش او بپردازند که منتج به دستاوردهای مهمی برای گروه اجرایی می‌شد. این ارتباطی است که متأسفانه از ما گرفته شده و دیگر وجود ندارد. متأسفانه در حال حاضر هم جلسات شکل صحیح و اصولی برگزار نمی‌شود.رضا آشفته بیان کرد این چهارمیه و مواجهه‌ی او با این اجرا بود، دو بار در سال ۹۸ و دو مرتبه اجرای فعلی و همچنین اجرای آقای داود رشیدی. به عبارتی در ۵ شب متفاوت و درعین‌حال با تفاوت‌هایی که میان اجرای ۹۸ این گروه با اجرای فعلی و تفاوت عمده‌ای که در نمایش داوود رشیدی حس می‌شد.آشفته اضافه کرد من معتقدم اگر بتوانیم برای مقدمه‌ی مواجهه‌ی مخاطب با اجرا در مورد متن و درون‌مایه و سبک و ژانر اثر به نتیجه‌ی روشنی برسیم آنگاه می‌توانیم نسبت به چیزی که کارگردان اثر و مؤلف ثانی آن و پیامد و خروجی کار دقیق‌تر بشویم. جریاناتی در قرن بیستم و به‌خصوص نیمه‌ی دوم آن در فرانسه شکل گرفت و این کشور را به‌عنوان بدل به مهد نمایش‌نامه‌نویسی مدرن و قوام‌دهنده‌ی بخشی از تاریخ تئاتر که تحت‌عنوان اپرورد شناخته می‌شود نمود.اپروردنویسان اروپا در آن دوره در موضوعات و وضعیت‌هایی نسبتاً شبیه به هم اما با زاویه‌ی دید و زبان بیان متفاوت به کار و فعالیت پرداختند. بخش عمده‌ای از دلیل و منشأ شکل‌گیری این فضا نیز به شرایط برخاسته از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود که با گذر زمان تبدیل به دادانیسم و سورتالیسم و به لحاظ فکری نیز به سمت اگزیستانسیالیسم حرکت کرد و بستر اتفاقات مهم‌تری شد اما آن‌گونه که بیان شد تشدید این امر با جنگ جهانی و پیامدهای آن و انعکاس دیدگاه و خروجی هر کس با توجه به نگاه خود صورت گرفت. متن نمایش «آقای اشمیت کیه؟» اما یک نزدیکی به «آواز:هوخو طلسم» اوژن یونسکو دارد؛ زن‌شوهری که فاصله‌ی میان آن‌ها ایجادشده و این فاصله در فضای پوچ و ابزورد نمایان می‌شود. اینجا اما روایت در سطحی کلان‌تر و بیش از یک رابطه‌ی خانوادگی، بلکه در فضایی انشیتی، اجتماعی، سیاسی و… این هویت و کلیت واقعی را بر رابطه‌ی زناشویی و در ادامه به فردیت اشخاص تحمیل می‌کند. بحران در دقائق ابتدایی رقم می‌خورد و ایستا با خنده‌ی آغزاشده اما در ادامه این خنده به ترس بدل می‌شود و تمام این‌ها در خدمت و با تزریق المان‌های ابزورد رقم می‌خورد و تبدیل به کمدی‌ای

Paul gilbert, Yngwie Malmsteen, John petrucci, Chris impelliteri و «Buckethead Steve vai»
◀ **از میان سبک‌های موسیقی راک، بیش‌تر به کدام ژانر علاقه دارید و چرا؟**

پاسخ این پرسش واقعاً دشوار است، چون راک تنوع سبک زیادی دارد و علاقم‌ام نیز به حال‌وهوای آن لحظه وابسته است. من هر سبکی را که موسیقی‌محور باشد، دوست دارم و خواننده آخرین گزینه‌های است که به آن توجه می‌کنم.

◀ **دوره اوج‌گیری موسیقی راک ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به نظر من تازه شروع شده است. مدتی تعداد زیادی از گروه‌ها مسیر را در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ باز کردند، ولی آن مسیر در یک دوره‌ی طولانی سرکوب شد. من معتقدم این سبک تازه در حال جان‌گرفتن است اما تا زمانی که به همهی گروه‌ها فرصت اجرا ندهند، روند آن به همین‌کندی پیش می‌رود، ولی باز هم می‌توان گفت خوب است.

◀ **تا چه حد با برخی از ویژگی‌های ظاهری که بعضی از نوازندگان راک برای خود می‌سازند، موافقت می‌کنید؟**

ظاهر و نوع پوشاک یک سبک زندگی است و کاملاً شخصی. تعداد زیادی از طرفداران حتی

بیش‌تر از هنرمندان، سبک ظاهری خاصی را برای خودشان برمی‌گزینند که بیانگر هویت سبک زندگی و موسیقی‌شان است. از دید من،

خیلی وقت است که جنبه‌ی ظاهری در حال محووشدن است و در واقع این اصل داستانی است که اولویت پیدا می‌کند. البته سبک‌های دیگر موسیقی از این موضوع جدا نیستند و همچون یک جامعه‌اند. موسیقی محلی و نوع پوشش، موسیقی پاپ، رپ، جز و کلاسیک، هر کدام از این سبک‌ها یک استانداردهای ذهنی را در جامعه ایجاد کرده‌اند که در گذر زمان شکل گرفته‌اند و هر دسته با استایل خاص خودشان زندگی می‌کنند. بنده بر این باورم که ما باید فراتر از این موضوع‌ها بیندیشیم، چراکه هویت موضوع اهمیت بیش‌تری دارد تا ظاهر. منظورم این است که به‌جای این پرسش که ذهن مخاطبان درگیر بشود، باید ببوییم مخاطبان راک برخلاف ظاهر خشن، بسیار دل‌نازک و به‌عنوانی بیمناک هستند و همچنان طوری که خودم از بزرگان انگیزه و شلوغی بی‌دلیل را نمی‌پسندند. آدرتالین موردنیز از آن، فقط با موسیقی و کنسرت تأمین می‌شود.

از طرفی، بیش‌ترشان کارهای خطرناک نمی‌کنند، ترن هوایی دوست ندارند یا رانندگی با سرعت بالا را نمی‌پسندند. البته شاید گفته‌هایم ربطی به پرسش شما نداشته باشد اما آنان در کنار ظاهر ترسناک و هوی‌متال‌پون، ترجیح می‌دهند در منزل بنشینند و آهنگ‌ها را در خلوت گوش بکنند

\_\_\_\_\_

را می‌بیند که بر محتوایی دلالت دارد. از نگاه من محتوای متن به‌خوبی بیان نمی‌شود و در شکل‌دهی و ساخت آن مشکلات زیادی یافت می‌شود. ما نیاز به کدهایی داریم تا بفهمیم آیا هر دو دچار این بی‌هویتی شده‌اند یا خاتم قوچی میراست؟ اولین جرقه‌ی وحشت در متن زمانی می‌خورد که رنگ تلفن به صدا درمی‌آید و آقا و خانم قوچی می‌گویند ما که تلفن نداریم! اما این در حیطه‌ی وظایف کارگردان است که تعیین کند این مواجهه از دید کدام‌یک از شخصیت‌های نمایش است؟ در همه‌ی بخش‌ها خاتم قوچی در این گم‌گشتگی با همسرش همراهی می‌کند اما در بخشی ازعان می‌کند که ما اشمیت هستیم و این سپرمان است و به نحوی می‌نماید که تماماً جدا از این جریان ایستاده.درلشت مخاطب حتی از اصواتی که به‌کاررفته به‌شکلی نیست که به نقطه‌ی خاص و حکم محتومی برسد داستان ما ساده است اما محتواس‌ت که در پس‌ازآن چیده می‌شود. اشمیت مشکل روانی دارد و روان‌رمانی به‌شکلی طی می‌شود که اقرار بکند من اشمیت هستم و در نهایت نیز این سیر به خودکشی ختم می‌شود. همین مؤلفه‌ی باور می‌کند که نمایش ما ابزورد و معنا‌بخاشه و پوچ است؛ اما اگر بناست یاور نکیم و فکر می‌کنم همچنان آقای قوچی است که روی صحنه قدم می‌زند و جهان اطرافش به تلقین و تحمیل به‌و مشغول‌اند. دلایل کافی برای طرح دراماتیک این مسئله موجود نیست. باید این پرسش مطرح شود که آیا دلیلی وجود دارد که یکسری اتفاقات نشان داده نشده‌اند اثر را کاملاً تأمین می‌کنند. پیکره‌ی کلی متن به یک گروتسک‌دامن می‌زند. گروتسکی که در قرن بیستم و متأثر از فجایع بحرانی زیست بشر رقم خورده و حتی بار این گروتسک در زندگی روزمره‌ی اجتماعی ما و خصوصاً به شکل شخصی‌تر و در فضای آسیای شرقی و ایران نیز حس می‌شود؛ مناسباتی اجتماعی که خانواده و بالطبع اجتماع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در نمایش سهراب سلیمی نیز همین اتفاق می‌افتد و اجتماع و متن نمایشی به هم گرده خورده و ما با ازایی را جلو چشم مخاطب سیز می‌کند.بابک فرجی سخنان خود را در‌این‌گونه آغاز کرد: می‌توان در دل متون سیاسی‌تئری وحشت، گروتسک، کمدی، سیاست، روان‌شناسی اجتماعی و… را دید و با هر یک از این برداشت‌ها با متون او مواجه شد اما پرسش اینجاست که در این اجرا و یا هر نمایش دیگر از این متن، این مسائل تا چه حد تبلور پیدا کرد؟ ۵۰ دقیقه با توجه به این متن نمایشی نسبتاً کوتاه، زمانی کافی برای تبلور این بخش‌هایی است که تئری تلنگری به آن‌ها زده. بار سیاسی متن از دل دیالوگ‌های کنایی آن تأمین می‌شود و کمدی نمایش نیز به‌اشاره‌ها و فضاهای کوچکی که فراهم‌شده تاخود کارگردان در تنظیم میزانش‌ها به آن بپردازد اما مشکل نمایش سلیمی در نحوه‌ی اجرایی او این است که این‌گونه به ذهن مخاطب متبادر می‌شود که هر دو شخصیت آقا و خانم قوچی هویت یافته‌اند اما می‌توان این تناقض را پیدا کرد که خانم قوچی هویت خود را نباشته! این بخش‌ها در دل اجرا گم می‌شوند و در هم گره می‌خورند. از طرفی مسائلی برای مخاطب پس اجرا مطرح می‌شود که داخل اجرا نشانه‌گذاری صحیحی برای درک لحظه‌ای و شهود آن نشده و تماماً بسته به استنباط شخصی و زاویه‌ی ذهن مخاطب یا طراح اثر است. منتقد چهارچوب و شکلی

**نقد و بررسی تئاتر «آقای اشمیت کیه؟» برگزار شد**

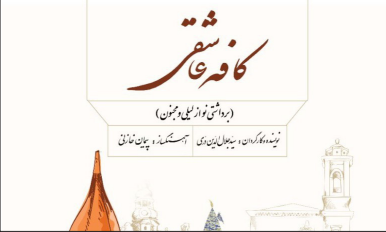
## همگی هویت باخته‌اند



می‌شود که کمدی نیست و تراژدی‌ای که تراژدی نیست؛ توأمان یک کمدی تراژیک و یک تراژدی کمیک که در کنار هم به‌بیش می‌روند و حدود خود را طی می‌کنند. بعد سوم این جریان اما به‌انده نسبی و پس‌ازآن فاجعه‌ای در قامت خودکشی بدل می‌شود که بار تراژیک اثر را کاملاً تأمین می‌کنند. پیکره‌ی کلی متن به یک گروتسک‌دامن می‌زند. گروتسکی که در قرن بیستم و متأثر از فجایع بحرانی زیست بشر رقم خورده و حتی بار این گروتسک در زندگی روزمره‌ی اجتماعی ما و خصوصاً به شکل شخصی‌تر و در فضای آسیای شرقی و ایران نیز حس می‌شود؛ مناسباتی اجتماعی که خانواده و بالطبع اجتماع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در نمایش سهراب سلیمی نیز همین اتفاق می‌افتد و اجتماع و متن نمایشی به هم گرده خورده و ما با ازایی را جلو چشم مخاطب سیز می‌کند.بابک فرجی سخنان خود را در‌این‌گونه آغاز کرد: می‌توان در دل متون سیاسی‌تئری وحشت، گروتسک، کمدی، سیاست، روان‌شناسی اجتماعی و… را دید و با هر یک از این برداشت‌ها با متون او مواجه شد اما پرسش اینجاست که در این اجرا و یا هر نمایش دیگر از این متن، این مسائل تا چه حد تبلور پیدا کرد؟ ۵۰ دقیقه با توجه به این متن نمایشی نسبتاً کوتاه، زمانی کافی برای تبلور این بخش‌هایی است که تئری تلنگری به آن‌ها زده. بار سیاسی متن از دل دیالوگ‌های کنایی آن تأمین می‌شود و کمدی نمایش نیز به‌اشاره‌ها و فضاهای کوچکی که فراهم‌شده تاخود کارگردان در تنظیم میزانش‌ها به آن بپردازد اما مشکل نمایش سلیمی در نحوه‌ی اجرایی او این است که این‌گونه به ذهن مخاطب متبادر می‌شود که هر دو شخصیت آقا و خانم قوچی هویت یافته‌اند اما می‌توان این تناقض را پیدا کرد که خانم قوچی هویت خود را نباشته! این بخش‌ها در دل اجرا گم می‌شوند و در هم گره می‌خورند. از طرفی مسائلی برای مخاطب پس اجرا مطرح می‌شود که داخل اجرا نشانه‌گذاری صحیحی برای درک لحظه‌ای و شهود آن نشده و تماماً بسته به استنباط شخصی و زاویه‌ی ذهن مخاطب یا طراح اثر است. منتقد چهارچوب و شکلی

### رویداد

**موسیقی نمایش «کافه عاشقی» روی صحنه می‌رود**



**همدلی** | گروه اجرای نمایش «کافه عاشقی» پس از یک اجرای موفق در فرهنگسرای نیاوران، تصمیم دارد این کار را بار دیگر در تهران روی صحنه ببرد. به نقل از روابط‌عمومی نمایش، سعید جلال‌الدین دری (نویسنده و کارگردان) در خصوص اجرای مجدد این نمایش گفت: پس از اجرای موفق موسیقی نمایش «کافه عاشقی» و با توجه به این‌که از سوی مخاطبان در فرهنگسرای نیاوران مورد استقبال قرار گرفت، تصمیم گرفتیم دوباره این اثر را اجرا بکنیم و چند روزی است با گروه تمرین‌ها را شروع کرده‌ایم. اکنون در حال گفت‌وگو با سالن‌ها هستیم که بتوانیم در سالن مناسبی نمایش را روی صحنه ببریم. او افزود: معتقدم با توجه به فضای خاصی که این اثر دارد، بهترین زمان برای اجرا پس از پایان ماه صفر و در هفته‌های اول مهر است. او در مورد ساخت و تأثیر موسیقی این نمایش اظهار داشت: پیمان خازنی از آهنگسازان بااستعداد، خلاق و جوان که فضای متن را به‌خوبی درک کرده و توانسته موسیقی و ملودی‌های بسیار مناسبی را با توجه به متن و منطق با فضای نمایش خلق بکند. همچنین سعید نقرزاده هم که از فارغ‌التحصیلان رشته نمایش است و در سریال «برابر با اصل» و فیلم سینمایی «ترگس منت» کنار بود، در این نمایش به‌عنوان دستیار کارگردان، برنامه‌ریز و مدیر تولید گروه و همچنین مهدی سربازی در مقام روابط‌عمومی، من را در این کار همراهی می‌کنند. حسین میرزاییان، سپیده صباغ، میثم اکبری، هیوا سبغی‌زاده، صدف بهشتی، مهدیه کوهستانی، سعید بحرالعلومی و زهره فیروزی بازیگران این نمایش هستند. موسیقی نمایش کافه عاشقی با نگاهی نو به داستان لیلی و مجنون به نگارش درآمده است.

## با تمرکز بر موسیقی مقامی آریا عظیمی‌نژاد برای «کاتب اعظم» آهنگسازی کرد



**همدلی** | آریا عظیمی‌نژاد برای آهنگسازی «کاتب اعظم» به سراغ موسیقی مقامی آیینی رفته و ۸ پاساژ یا گذر موسیقایی را برای میان‌برده‌های این کار در دست تولید دارد. تله‌تئاتر اقتباسی «کاتب اعظم» با قصه‌ای از کاتبان قیام عاشورا، این روزها آخرین مراحل فنی خود را برای نمایش از رسانه ملی طی می‌کند.

این مجموعه نمایشی ۷قسمتی به تهیه‌کنندگی مرکز سریال سوره در حالی طی یک ماه اخیر جلوی دوربین رفته و هم‌زمان با اربعین حسینی آماده پخش می‌شود که بیش از یک دهه از تغییر رویکرد تلویزیون در قبال تله‌تئاتر و به حاشیه راندن آن می‌گذرد و اکنون پس از سال‌ها شاهد ساخت اثری تاریخی در این قالب هستیم.

نکته‌جالب‌توجه در خصوص «کاتب اعظم» آن است که این روزها آریا عظیمی‌نژاد برای آهنگسازی این پروژه به سراغ موسیقی مقامی آیینی رفته و ۸ پاساژ یا گذر موسیقایی را برای میان‌برده کار در دست تولید دارد.

او قصد دارد در این تله‌تئاتر تجربه ساخت قطعه «آمدم ای شاه پناهم بده» با صدای مرحوم کریمخانی و در وصف امام رضا (ع) را این بار در رئای امام حسین (ع) تکرار کند و در همکاری با پیرغلامان حسینی، برای هر قسمت «کاتب اعظم» یک قطعه آیینی مرتبط با فضایی فیلم‌نامه بسازد. عظیمی‌نژاد اکنون مشغول ساخت این قطعات است تا با تصویرسازی به‌کاررفته در صحنه، از این امکان برای فضاسازی احساسی و حماسی بهتر اثر کمک گیرد.ابوالفضل مشکینی، سیدمحسن هاشمی، شهروز حبیبی، ذبیح‌الله ترابی و… از جمله پیرغلامانی هستند که این آواهای مقامی را می‌خوانند. «کاتب اعظم» که اقتباسی از رمان «اعترافات کاتب کشته شده» نوشته ساسان ناطق است، قصه کاتبان سپاه یزید در واقعه کربلاست. روایت این تله‌تئاتر از نیمه‌های شب عاشورا آغاز می‌شود و تا عصر واقعه ادامه دارد. این مجموعه نمایشی به نویسندگی و کارگردانی هنری مهدی غفوری و کارگردانی تلویزیونی علی عبادی، داستان شیبانی است که فرزند کاتب فراری و کشته‌شده دربار معاویه است و آمده تا در ظهر عاشورا مواجهه سپاه شمر و عمرین سعد را با لشکر امام حسین (ع) ببیند و بنویسد. پخش «کاتب اعظم» با بازی امین زندگانی، سیامک صفری، نادر فلاح، نازنین فراهانی، فاطمه گودرزی، حدیث میرامینی، خسرو شهرآز، امین میری، امیرحسین هاشمی و… از یکشنبه ۲۷شهریور ساعت ۲۱:۳۰ به‌صورت شبانه از شبکه دو سیما آغاز می‌شود.